

مهاجران بین الملل، مشارکت کنندگان در توسعه ی زادگاهی؛ مورد مطالعه شهر لار

دکتر منصور وثوقی^۱، مجید حجّتی^۲

چکیده

پدیده ی مهاجرت و بویژه مهاجرت بین الملل، در بسیاری از مکاتب نظری مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. برخی دیدگاه ها به این پدیده تاخته اند و آن را در برابر توسعه در نظر گرفته اند. برخی نیز با اعتنا به مهاجرت رویکردی توسعه ای را برای آن اتخاذ نموده اند. از اوایل قرن بیست و یک، دیدگاهها و سیاست ها، چرخش قابل اعتنایی به نگرش مثبت به پدیده ی مهاجرت جنوب شمال داشت. در این راستا برخی دانشمندان نقش مهاجران را در توسعه ی زادگاه خود بالا در نظر گرفتند. بخش نظری این مقاله به بررسی این دیدگاهها از دهه ی ۱۹۵۰ تا کنون خواهد پرداخت. هدف دوم این مقاله ارائه ی یک الگو در ایران است. مردم نواحی جنوبی ایران از جمله منطقه ی لارستان و شهر لار، از نیمه های قرن بیستم، مهاجران بسیاری را در کشورهای عربی GCC ارسال داشته اند که در این مقاله بنا داریم با استفاده از روش ترکیبی، دیدگاه مردم لار را در باب نقش مهاجران لاری (خلیج روها) در توسعه ی شهر لار جویا شویم.

واژگان کلیدی: مهاجرت بین الملل، ارسال وجه، توسعه زادگاهی، لار، کشورهای عربی GCC

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

Archive of SID

^۱ استاد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. vosoghi_mn@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران m.hojjati@srbiau.ac.com

مقدمه

پدیده ی مهاجرت های بین المللی پدیده ای نسبتاً جدید به شمار می رود، زیرا تنها در اوایل قرن بیستم بود که سیستم صدور گذرنامه و روادید جهت تنظیم جریان های مسافرت های برون مرزی در کشورها ابداع شد و عمومیت یافت. (مارتین و ویدیگرن، ۱۳۸۶: ۱)

به طور کلی مهاجرت بین الملل، تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می شود. (Kritz, 2007: 3019) البته زنجانی تفاوتی را میان مهاجرت بین المللی و خارجی بر می شمارد. بدین صورت که مهاجرت بین المللی بین دو کشور مستقل انجام می گردد و مهاجرت های خارجی بین دو سرزمینی جریان می یابد که در عرف بین الملل حداقل یکی از آن دو کشور محسوب نمی شود. (زنجانی، ۱۳۸۲: ۸)

سازمان ملل در سال ۱۹۸۸ اعلام کرده است، زمانی که میزان اقامت فرد از یک سال بیشتر شد، عنوان آن شخص از بازدیدکننده ی بین الملل به مهاجر بین الملل تغییر میابد. (kritz, 2007, 3019) طبق تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۸، مهاجران بلند مدت کسانی هستند که برای حداقل یک سال در کشوری غیر از کشور محل اقامت معمول خود، اسکان یابند. مهاجران کوتاه مدت به آنانی اطلاق می شوند که برای بیشتر از سه ماه و کمتر از یک سال در کشوری غیر از کشور محل اقامت معمول خود به سر می برند. البته به جز مواردی که افراد به جهت تفریح، تعطیلات، دیدار بستگان و دوستان، تجارت، معالجات پزشکی یا زیارت های مذهبی، اسکان یابند؛ این افراد مهاجر محسوب نمی شوند. (UN Statistics Division, cited in fact book 2011)

طبق آمارهای موجود بانک جهانی و سازمان ملل از نیمه ی قرن بیستم تاکنون، مهاجران رسمی بین الملل ۳ درصد جمعیت جهان را شامل می شوند. در حال حاضر نیز طبق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، ۲۱۵٫۸ میلیون مهاجر بین الملل در جهان، و در کشورهایی غیر از زادگاه خود به سر می برند. (Factbook, 2011)

در ایران مهاجرت بین الملل پس از دهه ی ۵۰ شمسی (۷۰ میلادی) به یک پدیده ی مهم اجتماعی مبدل شد به نحوی که آمار مهاجران ایرانی در کشورهای پیشرفته ی اروپایی به چندین برابر افزایش یافت. با نگاهی به جدول ۱ می توان افزایش چشمگیر مهاجرت ایرانیان به برخی کشورها را ملاحظه نمود.

جدول ۱: روند مهاجرت ایرانیان به چند کشور، از ۱۹۶۱ تا ۲۰۰۵

	۲۰۰۱-۲۰۰۵	۱۹۹۱-۲۰۰۰	۱۹۸۱-۱۹۹۰	۱۹۷۱-۱۹۸۰	۱۹۶۱-۱۹۷۰	
آمریکا	۵۵۰۹۸	۱۱۲۵۹۷	۱۵۴۸۵۷	۴۶۱۵۲	۱۰۲۹۱	
آلمان	۶۰۲۴	۲۴۱۳۱	۶۷۰۲۲	۱۴۱۷۳	۷۲۹۸	
کانادا	۲۵۳۵۰	۴۱۳۲۹	۲۰۷۰۰	۳۴۵۵	۶۲۰	
سوئد	۶۰۸۶	۱۶۸۰۴	۳۸۱۶۷	۳۲۴۹	۳۸۴	
انگلستان	۸۶۴۰	۱۲۶۶۵	----	----	----	

Source: Hakimzadeh, 2006

بانک جهانی ایرانیان خارج شده از کشور تحت عنوان مهاجر را ۱٫۲۹ میلیون نفر اعلام می کند که ۱٫۷ درصد جمعیت کشور را شامل می شود. (Factbook, 2011) البته آمارهای داخلی رقم قابل ملاحظه ی ۴ تا ۵ میلیون را برآورد می کنند. مقاصد اصلی ایرانیان، کشورهای پیشرفته و ثروتمند دنیاست. بانک جهانی ۱۰ کشور نخست مقصد ایرانیان را آمریکا، قطر، کانادا، کویت، آلمان، اسرائیل، انگلیس، سوئد، امارات متحده عربی و بحرین می داند. (Factbook, 2011)

چنین روند خیره کننده ی مهاجرت ایرانیان به کشورهای مطرح دنیا در کلام سیاستگذاران و نیز دانشگاهیان کشور با عناوین فرار مغزها و یا فرار سرمایه بیان می گردد و عموماً، لزوم تدابیر مناسب جهت کاهش این روند مورد بررسی و اعتنا قرار می گیرد.

اما هنگامی که در حوزه ی بین الملل این موضوع را مطالعه می نمایم مشاهده می شود که کمتر از یک دهه است بسیاری از نظریات و دیدگاههای حوزه ی مهاجرت به سمت نگرش مثبت نسبت به این پدیده گرایش دارد. بعلاوه بسیاری از کشورهای مهاجر فرست همچون، مکزیک، فیلیپین، ترکیه، غنا، هند و ... راهکارهای مناسبی را جهت بهره برداری از این پدیده می جویند. لذا نگرش اخیر حول مهاجرت بین الملل، به اثرات مثبت توسعه ای ناشی از آن معطوف می گردد. و در برخی دیدگاهها مهاجران به عنوان مشارکت کنندگان در توسعه ی زادگاهی معرفی می گردند. در حوزه ی نظری این مقاله، به این موضوع خواهیم پرداخت.

بعلاوه علیرغم گفته های بسیاری از پژوهشگران حوزه ی مهاجرت در ایران، شواهد نگارنده در جنوب کشور عکس این نگرش را می دهد. منطقه ی لارستان و شهر لار از جمله مناطق مهاجر فرست به کشورهای ثروتمند عربی است و البته اثرات مثبت فراوانی را عاید زادگاه خود نموده است. در این مقاله بنا داریم با استفاده از پیمایش، دیدگاه مردم لار را در باب اثرات این مهاجرین، که البته در بیان محلی خلیج رو شناخته می شوند، در ابعاد مختلف توسعه ی شهر لار مورد بررسی قرار دهیم.

ادبیات نظری

پدیده ی مهاجرت مقوله ای است که در بسیاری از دیدگاه ها و مکاتب مورد بحث قرار گرفته است. برخی از نظریه پردازان مهاجرت همچون دهاس^۱ معتقدند بیشتر تئوری های مهاجرت بیشن جامعی را در حوزه ی اثرات مهاجرت در توسعه، علی الخصوص اثر آن بر کشورهای درحال توسعه، ارائه نمی نمایند و تنها به ارائه ی اثرات ناهمگون و التقاطی بسنده می کنند. (De V, 200) گروههایی آن را پدیده ای مثبت و مؤثر در توسعه معرفی می نمایند. همچون کارکردگرایان، توسعه گرایان، نئوکلاسیک ها و نظریه پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه پردازان نیز آن را منفی برمی شمارند(از قبیل نئومارکسیست ها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم های جهانی) به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می گردد(جدول ۲)

جدول ۲: تقابل دیدگاه ها در حوزه ی مهاجرت و توسعه

نگرش مثبت به مهاجرت	نگرش منفی به مهاجرت
کارکردگرایان	ساختارگرایان
نئوکلاسیک ها	نئومارکسیست ها
نوسازی	اضمحلال و از هم پاشیدگی
جریان شمال- جنوب سرمایه	جریان جنوب- شمال سرمایه
بدست آوردن مغزها	فرار مغزها
افزایش برابری	افزایش نابرابری
سرمایه گذاری و جوه ارسالی	مصرف گرایی
توسعه	وابستگی
کاهش مهاجرت	افزایش مهاجرت
پدید آمدن فرصت کار برای بیکاران در مبدأ	کاهش نیروی کار ماهر در مبدأ
فعالیت های خیر و نوع دوستانه از جانب مهاجرین در مبدأ در راستای کمک به توسعه ی جامعه.	ایجاد تورم در نتیجه ی ارسال پول

Source: De Haas, 2008 & Sriskandarajah, 2005

در ادامه، سعی مان در بررسی این مباحث و دیدگاه‌ها است و در کنار آن، روند سیاست‌ها و نگرش به مهاجرت از چهار دهه پیش تا کنون را نیز بررسی می‌نماییم.

دیدگاه‌های مثبت به مهاجرت^۲:

دهه‌های ۵۰ و ۶۰ با این دیدگاه همراه بود که کشورهای فقیر قادرند، از طریق سیاست انتقال وسیع سرمایه و صنعتی کردن، به چرخه‌ی سریع توسعه‌ی اقتصادی و مدرنیزاسیون دست یابند. در این دوره، مهاجرت گسترده‌ی نیروی کار از کشورهای در حال توسعه به توسعه یافته شتاب یافت. دولت‌های کشورهای در حال توسعه از زمانی که به این ظرفیت به عنوان ابزاری در جهت ارتقای توسعه‌ی ملی واقف شدند، فعالانه شروع به انگیزه دادن به مهاجرانشان کردند. (De Haas, 2007: 3)

نگرش خوشبینانه به پدیده‌ی مهاجرت تا حد زیادی از تئوری‌های اقتصادی نئوکلاسیک مهاجرت و نظریه‌های نوسازی توسعه گرا الهام گرفته است؛ و همگی این‌ها در پارادایم کارکردگرایی قرار دارند.

رویکرد کارکردگرایانه^۳

نظریه پردازان این مکتب معتقدند که سازمان و وظایف جامعه را تنها در یک لحظه‌ی معین از تحول آن مورد مطالعه قرار دهند. لذا در این دیدگاه تاریخ ارجحی ندارد. بر این اساس شاید تصور بسیاری بر این باشد که تغییرات اجتماعی نیز در این رویکرد جایگاهی ندارد (گی‌روشه، ۱۳۸۹)، در حالی که کارکردگرایی هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد را در جهت تعادل و هماهنگی می‌داند. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جوامع به حساب می‌آید، که بالطبع در جهت ایجاد تعادل در سیستم اجتماعی صورت می‌گیرد. (ایمان، ۱۳۶۹: ۱۶۷)

بنا به اعتقاد نظریه پردازان این دیدگاه، شرط لازم برای دوام و بقاء نظام اجتماعی وجود یگانگی و تعادل در نظام می‌باشد. لذا مهاجرت به عنوان تغییری است که در جهت بقاء و تعادل نظام اجتماعی محسوب می‌شود. و موجبات توسعه‌ی جوامع مهاجر فرست را فراهم می‌نمایند. همچنین مهاجرت با به راه انداختن جریان سرمایه (ارسال وجه و سرمایه گذاری) و دانش، توسعه و نوسازی را موجب می‌شود. از این منظر مهاجران بازگشتی^۴، نقش اصلی را در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند.

توسعه گرایان^۵

نظریه پردازان توسعه بر اساس اصول موجود در رویکرد کارکردگرایی به تبیین نظریات خود می‌پردازند و اعتقاد دارند که برخی از مناطق به لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته اند و فرصت‌های مختلفی را برای افراد آن مناطق به وجود آورده اند. بر این اساس نیروی انسانی انباشته شده در یک منطقه به مناطقی که فرصت‌هایی بیش از ظرفیت افرادش دارد، کشیده می‌شود و تعادل از دست رفته را به جامعه بازمی‌گرداند. (لهسایی زاده به نقل از ایمان، ۱۳۶۹)

توسعه گرایان معتقد به جنبه‌های مثبت مهاجرت به این اندیشه متمایل گشتند که مهاجرت موجب انتقال شمال- جنوب وجوه سرمایه گذاری و تسریع در تغییر جوامع سنتی به لیبرال و موجب ایده‌های خردگرایانه و مردم سالارانه، آموزش و اندیشه‌های مدرن خواهد شد. از این دیدگاه، مهاجران بازگشتی به عنوان عوامل مهم تغییر، ابداع گران و سرمایه گذاران لقب گرفتند. انتظار عمومی این بود که جریان‌های ارسال پول، همانند تجارب، مهارت‌ها و دانشی که مهاجران پیش از بازگشت بدست آورده اند، کمک بزرگی به کشورهای در حال توسعه، در جهت خیز اقتصادی خواهد داشت. از مهاجران بازگشتی انتظار می‌رود که به واسطه پول‌های خود سرمایه گذاری عظیمی را در ناحیه‌ی موطن مادری خود به انجام رسانند. (De Haas, 2007:3)

دیدگاه نوسازی^۶

نظریه پردازان نوسازی که در قالب جامعه شناسی توسعه اظهارنظر می‌نمایند، معتقدند که، نفوذ ارزش‌های کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه باعث آرزوهای جدید در بین مردم این کشورها می‌شود. در جهت نیل به این آرزوهاست که جابجایی‌های جمعیتی به شهرهای بزرگ یا کشورهای دیگر صورت می‌گیرد. این اندیشمندان معتقدند که تحرکات جغرافیایی

جمعیت در قالب مهاجرت در جهت توسعه ی اقتصادی کشورها می باشد. چرا که تحول اجتماعی، تحرک مکانی بوجود می آورد که این امر به نوبه ی خود رشد اقتصادی را باعث می گردد. (شیدر، به نقل از ایمان، ۱۳۶۹)

اقتصاددانان نئوکلاسیک

تئوری مهاجرت نئوکلاسیک، بهترین و شناخته شده ترین پارادایم کارکردگرایی در حوزه ی مهاجرت است. (De Haas, 2011: 9) نئوکلاسیکها از راونشتاین بسیار تأثیر پذیرفتند. بسیاری از نظریه پردازان، ارنست جرج راونشتاین^۷ را پدر مطالعات مهاجرت مدرن می دانند. (Skeldon, 2010) او در مقاله ای در ۱۸۸۵ با عنوان قوانین مهاجرت نظریات خود را بیان داشت. در سه قانون آخر، او در باب نقش مهاجرت بر توسعه نظرات مهمی دارد که به آن اشاره ی مختصری می کنیم:

قانون ۹: افزایش حجم مهاجرت موجب بهبود حمل و نقل و توسعه ی بازرگانی و صنعتی می گردد.

قانون ۱۰: عمده ترین مسیر مهاجرت از نواحی کشاورزی به مراکز صنعتی و بازرگانی است.

قانون ۱۱: دلیل عمده ی مهاجرت، اقتصادی است و شاید بهتر باشد بگوییم توسعه ی اقتصادی. (Ibid: 146)

با گذری بر ایده های مهاجرتی نئوکلاسیک ها، می توان به اثرات تئوری های راونشتاین بر آنان پی برد. فرض اساسی در این پارادایم آن است که افراد تمایل دارند رفاه خود را، با توجه به محدودیت بودجه، به حداکثر رسانند. نئوکلاسیکها در سطح کلان، معتقدند هر جا عرضه ی نیروی کار بیش از سرمایه باشد دستمزدها رو به کاهش می گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد دستمزدها سیر صعودی می یابند. این وضع، مهاجرت نیروی کار را از منطقه ی نخست به منطقه ی دوم برمی انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می کند (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۱) و انتظار می رود که سرمایه در خلاف جهت مهاجرت حرکت نماید. (De Haas, 2008, 3)

تفاوت مهمی که نظریات نئوکلاسیک با دیگر دیدگاه های مثبت نگر دارد نگاه آنان در سطح خرد است. نئوکلاسیک ها مهاجران و خانواده های آنان را کنشگرانی دارای توان تفکر و تصمیم گیری می دانند که بر مبنای منافع مالی از جایی به جایی دیگر هجرت می کنند. (Ibid: 4) در حالی که سایر نظریات اقتصادی، در نگرش های کلان خود، مهاجرت های بین المللی را زائیده ی نیروهایی می دانند که برتر از فرد بوده و در تضاد با خواست و تمایل وی قرار دارد. (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

اما به طور کلی در جهان به شدت نئوکلاسیک، نقش مهاجرت به عنوان عامل یکسان سازی قیمت ها مطرح می شود. تا این اواخر، این دیدگاه نئوکلاسیک مهاجرت و توسعه به عنوان نگرش مسلط مؤسسات مالی بین المللی مطرح بود. به عنوان مثال، در بررسی سیاست های مربوط به مهاجرت، در گزارش "جهانی شدن، رشد و فقر" بانک جهانی در سال ۲۰۰۲، فواید مهاجرت برای کشورهای گیرنده دیده شده است، بخصوص در شرایط برابری فاکتور قیمت، و البته به هیچ عنوان به ارسال وجه اشاره ای نشد.

دیدگاه بدبینانه به مهاجرت:

بحران نفتی سال ۱۹۷۳ خبر از یک دوره ی رکود اقتصادی در سراسر جهان، بازسازی صنعتی و افزایش بیکاری می داد. همچنین تصور می شد که عصر مهاجرت های بین المللی پایان پذیرفته است. این موضوع کم و بیش با تغییرات بنیادی در بحث مهاجرت و توسعه همزمان شد. در اواخر دهه ی ۶۰، با توجه به نفوذ ترکیبی دو موضوع، نگرش مثبت در موضوع مهاجرت و توسعه در نواحی فرستنده ی مهاجر، به طور گسترده ای به چالش کشیده شد. نخست، تغییر پارادایم در علوم اجتماعی به ساختارگرایی تاریخی؛ و دوم، افزایش مطالعات تجربی که عموماً از دیدگاه های مثبت نگر در مهاجرت و توسعه حمایت نمی کردند. (De Haas, 2007)

شمار زیادی از مطالعات آکادمیک از این فرضیه دفاع می کرد که مهاجرت توسعه نیافتگی را تقویت می کند.^۹ این منفی گرایان معتقد بوده اند مهاجرت، توسعه ی انسانی را به مخاطره می اندازد و سقوط آداب و سنن و اقتصاد جوامع پایدار محلی را به همراه دارد. این امر منجر به توسعه ی جوامع منفعل غیر مولد، و وابسته به ارسال وجه خواهد شد. در کنار فرار مغزها، فرار نیروی

کار - خروج گسترده ی زنان و مردان توانا و جوان از مناطق روستایی - که موجب افت شدید نیروی کار کشاورزی می شود، محروم شدن مناطق از نیروی کار در دسترسشان.^{۱۱} از آنجا که به طور کلی فقیرترین جوامع بیشترین مهاجرت را ندارند، لذا مهاجرت و ارسال وجه در جهت افزایش نابرابری های جامعه ی مبدا تلقی می شد (De Haas, 2007).

مبنای بسیاری از بدبینان به مهاجرت (از قبیل نومارکسیست ها، طرفداران مکتب وابستگی و تئوری نظامهای جهانی)، بر تئوری اجتماعی ساختارگرایی استوار است. به طور کلی در رهیافت ساختارگرایان به مهاجرت و توسعه، مهاجرت توسعه نیافتگی را در جوامع مهاجر فرست افزایش می دهد.

دیدگاه ساختارگرایی تاریخی ۱۱

از دهه ی ۱۹۶۰ تفاسیر متفاوتی از مهاجرت، توسط پارادایم ساختاری تاریخی در ادبیات توسعه راه یافت که ریشه های فکری آن را می توان در تئوری های سیستم های جهانی و اقتصاد سیاسی مارکسیست جستجو کرد. تئوری ساختاری تاریخی در واکنش به پارادایم کارکردگرایی (نئوکلاسیک ها و طرفداران رهیافت نوسازی) بروز یافت. بر این اساس در دهه ی ۱۹۷۰ و علی الخصوص دهه ی ۱۹۸۰، تحقیقات حوزه ی مهاجرت، همانند بسیاری از حوزه های اجتماعی با توجه به رهیافت ساختاری تاریخی صورت می پذیرفت.

ساختارگرایان تاریخی مدعی اند که اقتصاد و توسعه به گونه ای نابرابر میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته تقسیم شده است که منجر به دسترسی نابرابر انسان ها به منابع می گردد. بر خلاف نئوکلاسیک ها که مدعی بودند جریان سرمایه بر خلاف جهت مهاجرت است ساختارگرایان تاریخی معتقدند جریان کار هم جهت با جریان سرمایه است. (De Haas, 2008)

ساختارگرایان تاریخی با اشاره به این نکته که اشخاص قادر نیستند آزادانه تصمیم بگیرند به نئوکلاسیک ها انتقاد می کنند. آنان مدعی اند افراد اساساً تحت نیروی ساختارها هستند. لذا ساختارهای اقتصاد سنتی که در نتیجه ی اتصال به سیستم اقتصاد سیاسی جهان دچار تضعیف می شوند، مردم خود را مجبور به مهاجرت و جابجایی می کنند. اینگونه است که مردم از معیشت سنتی شان محروم می مانند و این جمعیت بی خانمان، در شهرها به کارگران ارزانی مبدل می شوند که منافع سرمایه داران شهری را برآورده می سازند. (Ibid: 8)

این نوع نگرش جبرگرایانه ی ساختارگرایان تاریخی به مهاجران، به عنوان قربانیان ساختارها و نیروهای کلان، مورد انتقاد بسیاری است.

دیدگاه های تکثرگرا: رهیافت های اقتصادی جدید در باب مهاجرت نیروی کار جهت امرار معاش (NELM) ۱۲

در دهه های ۸۰ و ۹۰ مباحث اقتصادی جدیدی در باب مهاجرت نیروی کار شکل گرفت. ایده ی اصلی این نظریه پردازان واکنشی به دیدگاه های توسعه گرا و نئوکلاسیک (مثبت اندیشان) و تئوری ساختاری تاریخی (منفی اندیشان) بود. از دید آنان نظریات قبلی جبرگرایانه بودند و نیز مقیاس تحلیل آنان یا خرد بود یا کلان. (Mensah-Bonsu & Burger 2008, De Haas 2007s)

به عنوان مثال در مطالعات برگر (1994)، مک الروی (1985) و استارک (۱۹۹۱) بر این امکان تأکید می شود که مهاجرت یک فرد می تواند به دلیل حمایت فردی غیر مهاجر یا گروهی غیر مهاجر (مثل خانواده یا خاندان)^{۱۳} انجام گرفته باشد. (Mensah-Bonsu & Burger 2008, Taylor & Martin 2000) این رهیافت جدید، مهاجرت را به عنوان یک رفتار پرخطر می داند که در خانواده به اشتراک گذاشته می شود^{۱۴}. به نظر می رسد بهتر از افراد، این خانواده ها هستند که می توانند با تنوع دادن به منابع درآمدی ریسک درآمد را پایین بیاورند. بهتر از اشخاص این خانواده ها هستند که می توانند منابع درآمدی را افزایش دهند. علاوه بر آن، این دیدگاه انگیزه های درآمدی شخصی را نیز در تصمیم گیری برای مهاجرت در نظر می گیرد. مهاجرت به عنوان یک مسئولیت خانوادگی به حساب می آید، بدین صورت که وجوه ارسالی مهاجر به عنوان بیمه ی کمکی خانواده اش در مبدأ

است. این موضوع چرایی مهاجرت مردم با وجود عدم تفاوت در آمدی میان مبدأ و مقصد را تبیین مینماید. (De Haas, 2007 و زنجانی، ۱۳۸۰)

علاوه بر بحث امرار معاش امن و پایدار برای خانواده، پژوهشگران NELM معتقدند مهاجرت نقش حیاتی را در تأمین یک منبع بالقوه ی سرمایه گذاری دارد. این موضوع با توجه به شرایط کشورهای جهان سوم که با کمبود اعتبار برای سرمایه گذاری و نیز بازارهایی با ریسک بالا مواجهند، پشتوانه ی محکمی محسوب می شود، هم بعنوان سرمایه و هم نقش بیمه جهت پایین آوردن ریسک سرمایه گذاری. (Taylor, 1999)

ملاحظه می شود که این دیدگاه به نقش افراد در تغییر وضعیت خود اهمیت بالایی می دهد. دهاس معتقد است این تغییرات در نظریات حوزه ی مهاجرت و توسعه تأثیر عمیقی از تغییرات پارادایمیک در نظریان جامعه شناختی گرفته است که برخی ملهم از تئوری ساختاری گیدنز (۱۹۸۴)، که در پی تعادل بخشی بین ساختار و عاملیت است، می باشد. (De Haas, 2007)

رابطه ی میان مهاجرت و توسعه؛ ارائه ی یک مدل

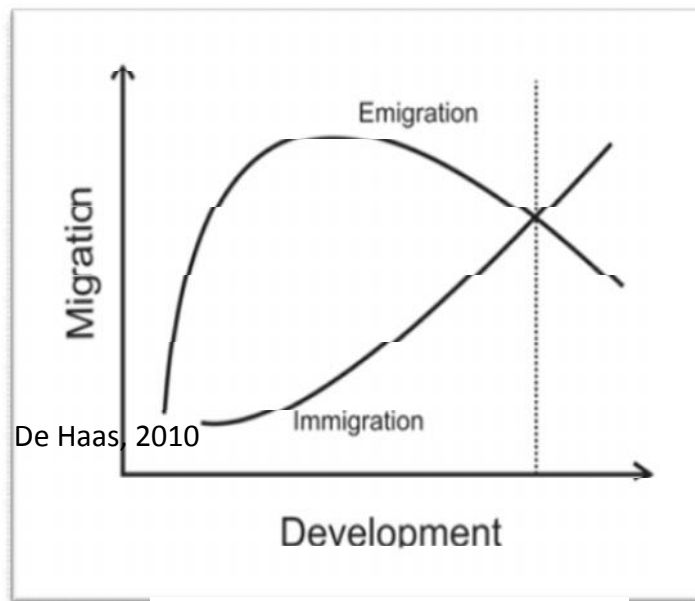
سؤال همیشه میان نظریه پردازان مهاجرت مطرح بوده است: آیا فقر و بدبختی نشانه ی مهاجرت کار است؟ این دو چه نسبتی با هم دارند؟ و اگر در کشوری آمار مهاجرین خارج شده از آن افزایش یابد نشانه ای از کاهش کیفیت زندگی مردمان آن دارد؟ اما بسیاری معتقدند، فقیرترین افراد جامعه به ندرت به مهاجرت دست میزنند. مهاجرت، علی الخصوص مهاجرت بین الملل، ریسک و هزینه ی قابل ملاحظه ای دارد و علاوه بر نیاز به دانش و ارتباطات اجتماعی، به انگیزه های قوی هم نیازمند است. (De Haas, 2005, Skeldon 2008 و ارشاد ۱۳۸۹)

دهاس معتقد است که بیش از فقر شدید، عامل تعیین کننده در مهاجرت جوامع، وجود سطحی از توسعه ی اجتماعی - اقتصادی، به همراه محرومیت نسبی به شکل نابرابری در فرصت های توسعه است. و کشورهای مهمی چون مکزیک، مراکش، ترکیه و فیلیپین را بیان می کند که از کشورهای توسعه نیافته نیستند، اما از کشورهای بزرگ مهاجر فرست در جهان هستند. از پیامدهای اجتناب ناپذیر توسعه، مهاجرت، تحرک و پویایی است. تنها در یک پروسه ی بلند مدت، پس از چندین دهه رشد و همگرایی در آمدی با کشورهای مقصد است که مهاجرت به خارج، رو به کاهش می نهد و مهاجرت به داخل افزایش می یابد و کشور را از مرحله ی فرستنده ی نیروی کار به پذیرنده ی نیروی کار مبدل می کند. دهاس کشورهایی چون اسپانیا، ایتالیا، یونان، پرتغال، ایرلند و چندین کشور آسیای جنوبی نظیر مالزی، تایوان و کره ی جنوبی را مصداق های این روند می داند و معتقد است کشورهایی چون ترکیه، تونس و مکزیک نیز می توانند به این مرحله دست یابند. (De Haas, 2005)

اما دهاس در مقاله ای^{۱۵}، به ارائه ی مدلی می پردازد که در آن ارتباط میان مهاجرت و توسعه ی جوامع نشان داده شده است. او معتقد است ارتباط میان مهاجرت نه خطی است و نه معکوس. رشد و توسعه ی جوامع و کاهش فاصله ی توسعه ای آنها با کشورهای مقصد بیشتر از طریق منحنی L و معکوس منحنی U بر مهاجرت تأثیر گذار است. در ابتدای روند توسعه منحنی افزایش می یابد و سپس رو به کاهش می گذارد. چنین پدیده ای را در حوزه ی نظری "برآمدگی مهاجرت"^{۱۶} می نامند.

(Massey 1999, quoted by De Haas 2005)

می توان سطح مینیمی از سرمایه ی اجتماعی، انسانی و یا مادی را در نظر گرفت، که در آن سطح نیاز به مهاجرت در یک جامعه پدید می آید. ظرفیت مهاجرت در مراحل اولیه ی توسعه به صورت نمایی افزایش می یابد. زیرا با افزایش نسبتاً اندک توسعه، بسیاری از افراد توان مهاجرت می یابند. علاوه بر آن توقعات و انگیزه های مردم نیز بالا خواهد رفت که به افزایش مهاجرت می انجامد. این افزایش سریع مهاجرت، و شکل گیری سرمایه های اجتماعی، شبکه های مهاجران را پدید می آورد. با افزایش توسعه حرکت این منحنی رو به بالا ادامه می یابد تا نقطه ی اشباع. در این نقطه، اکثریت افراد جامعه توان مهاجرت را یافته اند. پس از این مرحله، افزایش توسعه موجب کاهش مهاجرت خواهد شد. (De Haas, 2010: 18-19)



شکل ۱: رابطه ی مهاجرت و توسعه

همچنین با توجه به این تئوری انتظار می رود ارتباط میان توسعه ی انسانی و مهاجرت به داخل، مثبت و خطی باشد. بر این اساس هرچه توسعه در یک ناحیه یا کشور بالاتر رود روند مهاجرت به آن سرزمین نیز افزایش خواهد یافت. (شکل ۱)

مهاجران؛ مشارکت کنندگان توسعه (Patrick Gonin, 2007)

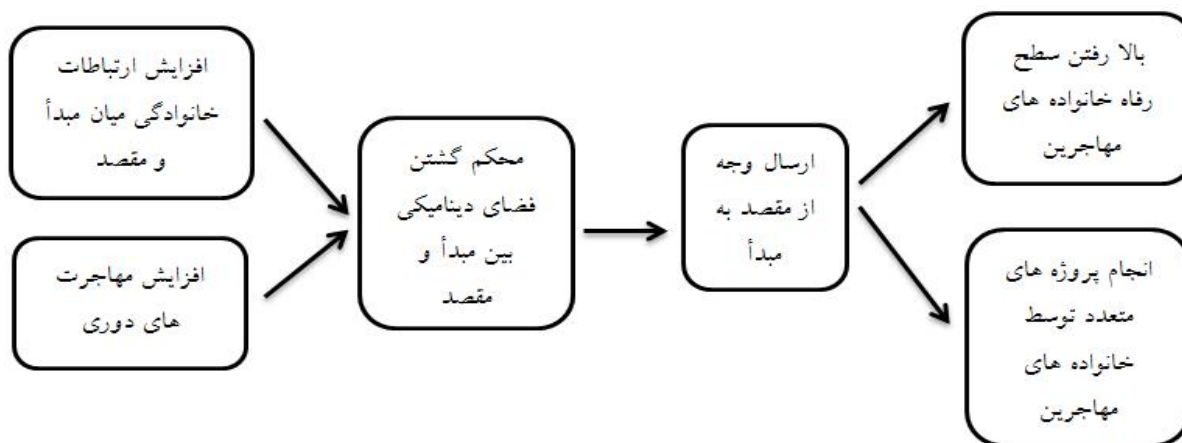
در مواردی چون مکزیک، کراالا، مراکش، و دره رود سنگال، مهاجران نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می نمایند. صدها پروژه به لطف حمایت از برخی مؤسسات و تمایل آنانی که مهاجرت کرده اند انجام شده است. پروژه هایی چون گروه های خرید^۷، درمانگاه ها^۸، کلینیک های زایمان^۹، داروخانه های روستایی^{۱۰}، مدارس، تأمین برق روستا، باغ های مخصوص سبزی کاری^{۱۱}، آبیاری زمین ها^{۱۲} و سیستم های آبی و داخلی^{۱۳}.

چنین اقداماتی که به جهان در حال توسعه اختصاص دارد معمولاً از نیازهای معمول و مرسوم در مهاجرت نشأت می گیرد. این امور از طریق انواع سازمان های اشتراکی و جمعی در مقیاس بین المللی حمایت می شود و به نوعی دغدغه ها و نیازهای آنانی که مهاجرت نموده اند و آنانی که در زادگاه اقامت دارند را ممکن می سازد. البته منشأ چنین پروژه هایی، گروه های کوچکی از مهاجران اند که به تنهایی و برای یافتن شرایط زندگی بهتر برای خانواده هایشان که در زادگاه ساکنند تلاش می کنند.

مهاجران در نخستین مرحله، از طریق مهاجرت و دیدن پیشرفت ها به وضعیت نگران کننده ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زادگاه خود پی می برند و در نهایت مهارت هایی را که در مقصد کسب نموده اند را به زادگاهشان منتقل نمایند. در کنار آن، جامعه ی مادری نیز می بایست پذیرنده ی نغیراتی باشد که مهاجرین وارد کننده ی آنند.

مرحله دوم، مستلزم افزایش تبادل میان حوزه های مختلف مهاجرت است. جابجایی و مسافرت بستگان و آشنایان به محل استقرار نیروی کار، چنین فضاهای دینامیک مهاجرتی را گسترش می دهد. اما این کافی نیست: شمار افرادی که درگیر در حوزه ی مهاجرت می بایست به اندازه ی کافی افزایش یابد تا چنین میزان مهاجرتی پویایی شکل گیرد. هنگامی که پیوند میان کشورهای مبدأ و مقصد مستحکم شد، سرمایه گذاری های جمعی به جهت کشورهای مبدأ قابل ملاحظه خواهد شد. و بالاخره در سومین مرحله، ما شاهد پروژه های اقتصادی فراوان توسط مهاجرین خواهیم بود.

این مراحل را می توان در مدل زیر ملاحظه نمود.



مهاجرت ایرانیان به کشورهای عربی GCC^{۲۴} و اثرات آن

یکی از معضلات حوزه ی مهاجرت بین الملل یافتن آمار دقیق و نزدیک به واقعیت در باب تعداد مهاجران است. همین مسئله در مورد ایرانیان مقیم کشورهای GCC نیز صدق می کند. برخی گزارشها از حضور تنها ۲۱۵ هزار ایرانی در چهار کشور کویت، امارات، قطر و بحرین حاکی است. (Baldwin-Edwards, 2005) که البته به نظر می آید این آمار بسیار پایین تر از واقع باشد. با بررسی های آماری مختلف در باب ایرانیان حاضر در این کشور عدد بسیار متفاوتی حاصل می آید و جمع ایرانیان را یک میلیون و دویست هزار نفر برآورد می کند.

جدول ۳: برآورد ایرانیان حاضر در کشورهای GCC

امارات	کویت	قطر	بحرین
۸۰۰ هزار (۲۰۱۲)	حدود ۱۴۰ هزار (۲۰۱۰)	۱۹۵ هزار (۲۰۱۲)	حدود ۵۶ هزار نفر (۲۰۰۲)

منابع: معاون ثبت احوال ایران (۲۰۱۲)، کتاب سبز کویت (۲۰۱۰)، Encyclopedia of the ، CIA Factbook, 2012، nations (2002)

چنین آمار خیره کننده ی ایرانیان در کشورهای عربی نشانگر سطح بالای مراودت ایرانیان است. در گفتگو با نمایندگان کار ایران در امارات و کویت بیان گردید بیش از ۸۰ درصد ایرانیان کشورهای عربی از اهالی جنوبی ایران می باشند که این موضوع در مورد منطقه ی لارستان با تأکید بیشتری بیان می گردد. بر این اساس و بر مبنای دیدگاه هایی که مهاجرت را مثبت و مهاجران را مشارکت کنندگان در توسعه می داند می بایست به دنبال اثرات مشخصی از توسعه توسط مهاجران در مناطق جنوبی ایران علی الخصوص لارستان بود.

در ادامه با اتکا به متد ترکیبی، وضعیت مشارکت خلیج روهای^{۲۶} لار در زادگاه خود به بررسی گذاشته شد.

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار آمد، متد ترکیبی^{۲۷} است. در میان انواع روش های ترکیبی، «طرح ترکیبی متوالی استقرایی»^{۲۸} بیانگر آن است که یک روش کیفی با یک روش کمی به طور متوالی صورت می پذیرد، و سپس نتایج هر دو روش با هم ترکیب می شوند. بر این اساس، از آنجا که اطلاعات مشخص و طبقه بندی شده ای از حوزه های مورد مشارکت خلیج روهای لار در اختیار نبود، بر آن شدیم تا در ابتدا با انجام «مصاحبه های عمیق» به جمع آوری این حوزه ها پردازیم. لذا موفق به مصاحبه با ۷ نفر از خلیج روهای خیر شهر لار گشتیم. در نهایت چنین اقداماتی در پنج حوزه تقسیم بندی شد.

- حوزه ی آموزش شامل: ساخت مدارس، مهدهای کودک، کودکستان، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی؛

- حوزه ی بهداشت شامل: ساخت بیمارستان ها، درمانگاه ها، خانه های بهداشت، زایشگاه ها، مراکز اورژانس و تأمین تجهیزات درمانی

- حوزه ی حمل و نقل شامل: ساخت ترمینال های مسافری و فرودگاه

- حوزه ی اقتصاد شامل: نقش خلیج رو ها در رونق بازار و معاملات اقتصادی شهر، احداث کارخانه ها، کارگاه ها و تولیدی ها.

- حوزه ی اجتماعی که گستره وسیعی را در بر می گیرد: ورزشی، مذهبی، حمایت از اقشار آسیب پذیر، حمایت از انجمن های اجتماعی

✓ ورزشی (ساخت سالن ها و مجتمع های ورزشی، تشکیل باشگاه ها و تیم های ورزشی)

✓ مذهبی (کمک به انجام مراسم مذهبی، ساخت مساجد، حسینیه ها، امام زاده ها و حوزه های علمیه)،

✓ حمایت از اقشار آسیب پذیر (فقرا، معلولین، ایتم، سالمندان، بیماران خاص)

✓ حمایت از انجمن های اجتماعی (شامل مؤسسات فرهنگی، مذهبی و نیز تشکل های مردم نهاد)

و در ادامه این حوزه های گسترده ی مشارکت، را در قالب «پیمایش (پرسشنامه)» در نظرگاه مردم قرار دادیم و شدت و ضعف آن را از طریق طیف لیکرت به نظر سنجی واگذار نمودیم.

این نظرسنجی در شهر جدید لار صورت پذیرفت. دلیل آن نیز همگن تر بودن خانواده ها از لحاظ سطح سواد و سطح رفاه است. این موضوع در شهر قدیم لار مشاهده نمی شود و کار مصاحبه را دشوار می نماید. لذا نواری از شهر جدید، که شرق آن را به غرب متصل می نمود، برگزیدیم. این نوار شامل ۱۰ بلوک مساوی می شود و هر بلوک شامل ۲۰ خانه است. لذا جامعه ی آماری ما شامل ۲۰۰ خانوار است. طبق فرمول کوکران حجم نمونه ی تحقیق ۱۲۷ خانواده مشخص گردید. در ادامه، شماره ی خانه ها از ۱ تا ۲۰۰ معین گردید و با بهره گیری از روش نمونه گیری تصادفی و راحت ترین شیوه ی آن که همان قرعه کشی دستی است ۱۲۷ خانه ی مورد پیمایش تعیین شد. در ادامه به بررسی پاسخ ها می پردازیم:

وضعیت ارتباطات مردم با کشورهای GCC

۸۵ درصد خانواده های مورد پیمایش، بستگان نزدیکی را در چهار کشور کویت، امارات، قطر و بحرین داشته یا دارند و بعلاوه، قریب به ۳۰ درصد پاسخگویان، تجربه ی سفر به این کشورها را داشته اند که البته رقم قابل تأملی در حوزه ی ارتباطات با کشورهای عربی است. مسلماً دلیل مهم این میزان رفت و آمد مردم، پدید آمدن ارتباطات خانوادگی میان لارستان و کشورهای عربی است. لذا یکی از مؤلفه ها جهت رؤیت اثرات مثبت مهاجرت، یعنی محکم گشتن فضاها ی دینامیکی مهاجرت میان مبدأ و مقصد، در این منطقه فراهم است.

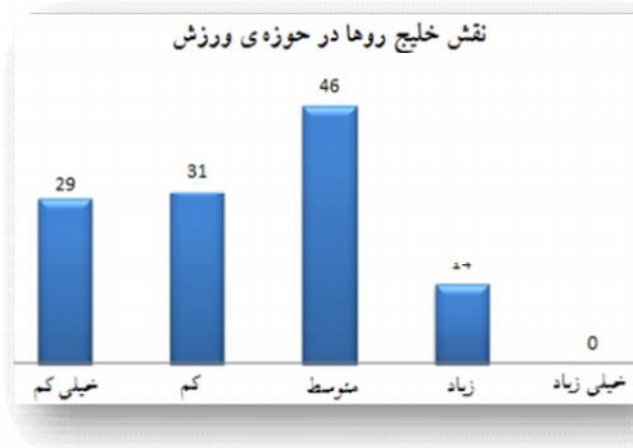
جدول ۴: ارتباط مردم با کشورهای قطر، بحرین، امارات و کویت

مجموع	خیر	بلی
۱۲۵	۱۷	۱۰۸
۱۰۰	۱۳,۶	۸۶,۴
۱۲۵	۸۸	۳۷
۱۰۰	۷۰,۴	۲۹,۶

تجربه ی سفر به کشورهای GCC

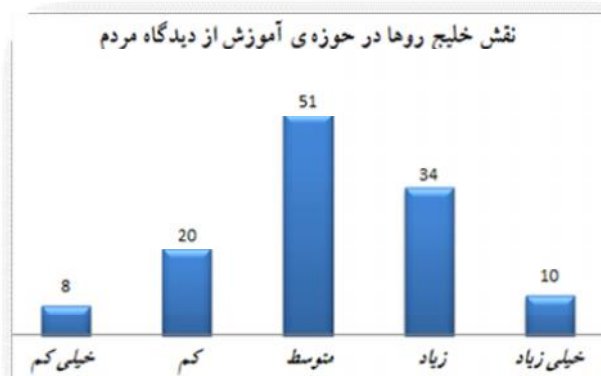
حوزه ورزش و نقش خلیج روها

این حوزه، به واسطه ی دو مؤلفه از مردم نظرخواهی شده است: نقش خلیج روها در ساخت اماکن ورزشی و نیز راه اندازی تیم های ورزشی. در نهایت پاسخ مردم بدین ترتیب بود.



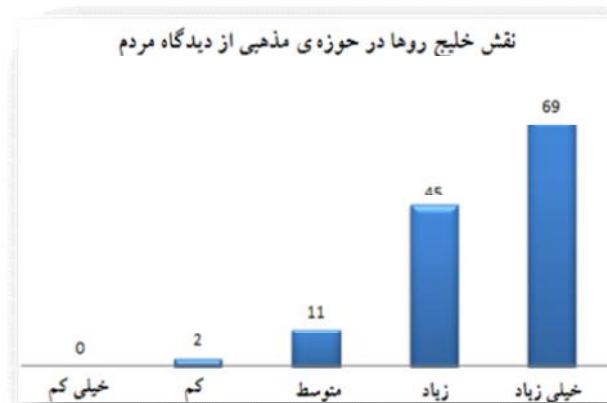
شکل ۲: نقش خلیج روها در حوزه ی ورزش

به نظر می رسد مردم در حوزه ی ورزش برای خلیج روها نقش متوسط رو به پایینی قائلند. ملاحظه می شود که ۵۰ درصد مردم نقش خلیج روها را پایین تر از متوسط در نظر گرفته اند. لذا نمره ی خلیج روها در حوزه ی ورزش ۲,۳۸ است. حوزه ی آموزش و نقش خلیج روها در این حوزه سه مولفه دخیل بوده اند: ساخت مهدهای کودک، کودکانستان، مدارس و ساخت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و بالاخره ساخت کتابخانه ها. اما پاسخ مردم در این زمینه در شکل زیر آورده شده است.



شکل ۳: نقش خلیج روها در حوزه ی آموزش

همانگونه که آمارها نشان می داد مردم نیز نسبت به فعالیت و نقش خلیج روها در حوزه ی آموزش نظر موافقی را دارند. بعلاوه، میانگین دیدگاه مردم در این بخش، ۳,۱۵ یعنی بالاتر از حد متوسط است. حوزه ی مذهبی و نقش خلیج روها در این بخش مشتمل بر دو حوزه ی ساخت اماکن مذهبی و انجام مراسمات مذهبی است. نتیجه نظرسنجی در شکل زیر آمده است.



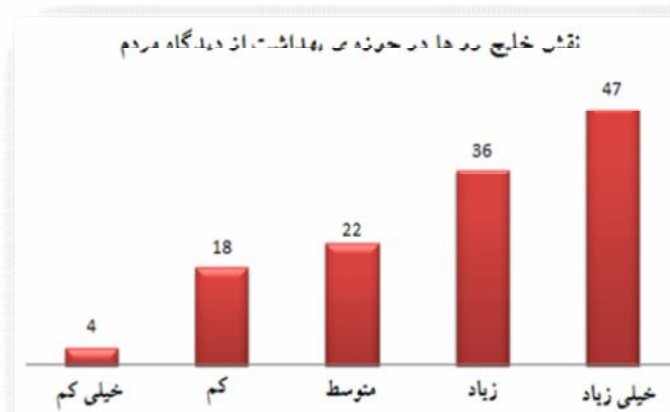
شکل ۴: نقش خلیج روها در حوزه ی مذهبی

شاید بتوان گفت بخشی که بیشترین فعالیت از جانب خلیج روها در آن صورت پذیرفته، امور مذهبی است و مردم نیز همین عقیده را دارند و قریب به ۹۰ درصد پاسخگویان گزینه های بالاتر از متوسط را برگزیده اند که رقم بسیار قابل توجهی است. بعلاوه متوسط پاسخ ها عدد قابل ملاحظه ی ۴,۴۳ است.

در این زمینه امیلی ولز نیز در سال ۱۹۸۳ یکی از شیوه های مهاجرین لاری، جهت بالا بردن رتبه و موقعیت اجتماعی خود در لار را کمک به فعالیت های مذهبی و سنتی مثل برگزاری آجیاء، اعیاد و مناسبت ها می دانست. (Wells, 1983)

نقش خلیج روها در حوزه ی بهداشت

دیدگاه مردم نشانگر موافقت آنان با عملکرد خلیج روها است. تنها ۱۷ درصد پاسخگویان به گزینه هایی پایین تر از متوسط معتقدند و ۶۵ درصد، گزینه های متوسط رو به بالا را برگزیدند. بعلاوه میانگین پاسخ ها در این حوزه عدد ۳,۸۲ یعنی نزدیک به گزینه ی زیاد را نشان می داد.

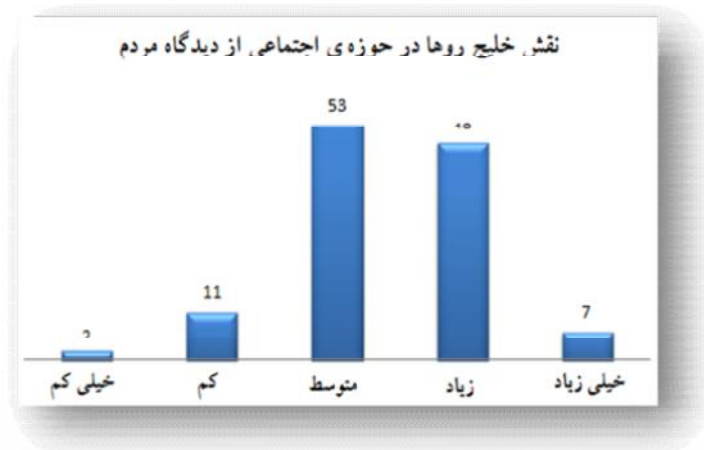


شکل ۵: نقش خلیج روها در حوزه ی بهداشت

نقش خلیج روها در حوزه های اجتماعی

با توجه به آمارها و گفتگوهایی که با آگاهان شهر و خلیج روها صورت پذیرفت، حوزه ی اجتماعی مشتمل بر چهار مؤلفه در نظر گرفته شد: کمک به انجام مراسمات مذهبی، حمایت از مؤسسات، انجمن ها و تشکل های مردم نهاد، حمایت از اقشار آسیب پذیر، تشکیل باشگاه ها و تیم های ورزشی. تقریباً نیمی از پاسخگویان گزینه های بالاتر از متوسط را برگزیده اند. لذا دیدگاه نسبتاً مثبتی

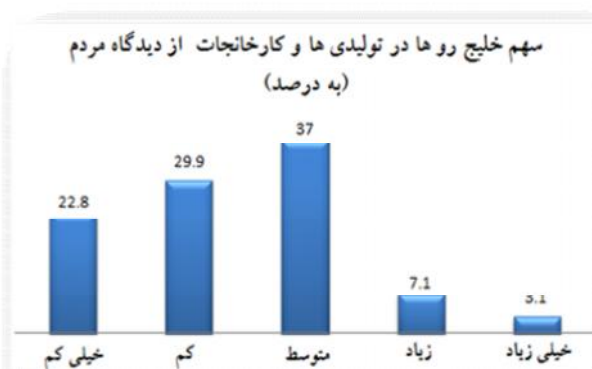
از فعالیت های اجتماعی خلیج روها دارند. بعلاوه میانگین پاسخ مردم نمره ی ۳,۳۹ را نشان می دهد. بنابراین می توان خلیج روها را به عنوان یک قشر تصمیم گیرنده و تعیین کننده و تأثیر گذار در جامعه ی لار دانست. که البته تحقیقات تخصصی تر و گسترده تری را می طلبد.



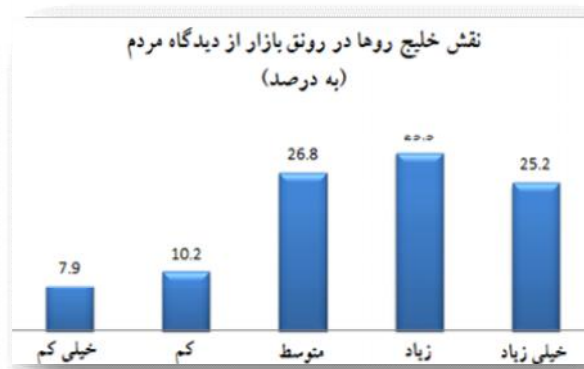
شکل ۶: نقش خلیج روها در حوزه ی اجتماعی

حوزه ی اقتصادی

در این حوزه دو مؤلفه قرار داده شد. یکی، سرمایه گذاری در احداث کارخانجات و تولیدی ها، و دیگری نقش خلیج روها در رونق بازار که نتیجه چنین شد. براین اساس قریب به ۸۰ درصد گزینه های متوسط و بالاتر از آن را برگزیدند. بعلاوه متوسط دیدگاه مردم نیز ۳,۲ است که موافقت تقریبی مردم را بیان می دارد. اما بدنیست هر دو مؤلفه بکار رفته در این حوزه را نیز بررسی نماییم. ملاحظه می شود که در این دو مؤلفه در نگرش کاملاً متفاوت وجود دارد. از یک طرف قریب به ۸۰ درصد پاسخگویان نگرش متوسط رو به بالایشان را در رونق بازار توسط خلیج روها نشان می دهند، و از طرف دیگر قریب به ۹۰ درصد آنان دیدگاه متوسط رو به پایین خود را در باب نقش این مهاجرین در احداث تولیدی ها بیان می دارند، اما مشاهده شد که در مجموع دو حوزه دیدگاه نسبتاً مثبت است.



شکل ۸: نقش خلیج روها در تولیدی ها و کارخانجات



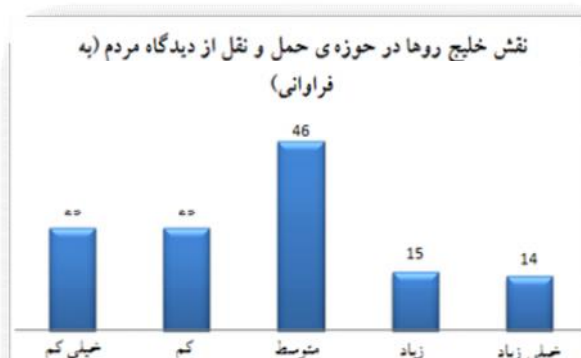
شکل ۷: نقش خلیج روها در رونق بازار

در مطالعه ی برخی دیدگاه ها در باب مهاجرین لارستانی نیز این موضع گیری مشهود است. امیلی ولز در سال ۱۹۸۳، در تحلیل مردم شناختی خود در باب وضعیت سرمایه گذاری و تولید مهاجرین در لار چنین می نویسد: " ناحیه ی لار شباهت های بسیاری به دیگر نواحی کارگر مهاجر فرست دارد. تولیدی های کشاورزی و صنعتی لارستان رو به کاهش است و بسیار به جریان ارسال پول وابسته شده است. تولید مصارف خانگی در منطقه روز به روز کاهش می یابد. بین ۱۹۵۶ و ۱۹۶۶ درصد شغل کشاورزی در میان مردان لارستانی از ۵۷ به ۳۷ درصد کاهش یافت. کاهش کشاورزی و صنایع سنتی لزوماً منفی نیست، اما موجب کاهش فرصت های شغلی در لارستان می شود. هرچند ممکن است بسیاری از لاری ها بخواهند در زادگاهشان بمانند اما شغل به ندرت در منطقه وجود دارد." (WELLS,1983)

مریدی از جامعه شناسان لاری نیز مدعی است اگر چه سرمایه داران منطقه بانیان خیر خدمات عمومی مانند فرودگاه، مسجد، مدرسه، و جاده هستند اما هنوز نتوانسته اند در عرصه ی صنعت نقش مؤثری داشته باشند. (مریدی، ۱۳۹۰: ۲۴۷) که البته پیشنهاد تشکیل انجمن های زادگاهی را برای رفع این معضل می دهد.

حوزه ی حمل و نقل

این حوزه که شامل ساخت ترمینال های مسافربری و فرودگاه می باشد نظر تقریباً متوسط (۲,۷۴) مردم را جلب نمود. البته قریب به ۷۶ درصد پاسخگویان نظر متوسط رو به پایینی را داشته اند.



شکل ۹: نقش خلیج روها در حوزه ی حمل و نقل

اما دو سؤال که دغدغه ی مهم نگارنده بود، دیدگاه مردم نسبت به نقش دولت و خلیج روها در توسعه ی زادگاهشان است. که البته نتایج قابل تأملی حاصل گردید.

۷۴ درصد پاسخگویان نقش دولت را در توسعه ی لار پایین ارزیابی نموده اند و تنها ۷ درصد آنان فعالیت های دولت را در توسعه ی لار موفق دانسته اند.

و بالاخره نیمی از پاسخگویان معتقدند خلیج روها نقش زیادی در توسعه ی شهرشان داشته اند. و البته ۲۲,۸ درصد پاسخ ها نقش اندک خلیج روها در توسعه را نشان می دهد. البته این ۲۲,۸ پاسخگو، تأملی را بر می انگیزد که در باب دولت و نقش او در توسعه ی شهر، چگونه می اندیشند.

با تأملی در جدول ۵ مشخص می شود، آن افرادی که نقش خلیج روها را در توسعه ی لار، کم رنگ دیده اند البته نسبت به نقش دولت نیز نگرش بسیار منفی ای دارند لذا دیدگاه آنان در باب خلیج روها ناشی از تمایل به نقش دولت نیست، بلکه به طور کلی شهر لار را توسعه نیافته می دانند.

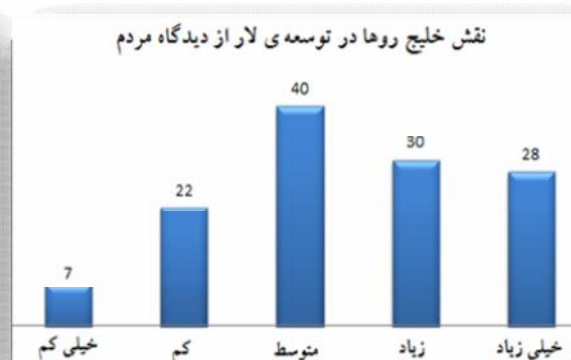
جدول ۵: نقش خلیج روها و دولت در توسعه ی لار

نقش دولت در توسعه						خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجموع
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجموع						
۴	۳	۰	۰	۰	۷	خیلی کم	نقش خلیج روها در توسعه				
۹	۷	۵	۱	۰	۲۲	کم					
۸	۱۴	۱۴	۴	۰	۴۰	متوسط					
۱۱	۱۷	۲	۰	۰	۳۰	زیاد					
۱۴	۷	۴	۱	۲	۲۸	خیلی زیاد					
۴۶	۴۸	۲۵	۶	۲	۱۲۷	مجموع					

به جهت مقایسه ی مشهودتر می توان به شکل های ۱۰ و ۱۱ مراجعه نمود.



شکل ۱۱: نقش دولت در توسعه ی لار



شکل ۱۰: نقش خلیج روها در توسعه ی لار

جدول ۶ نیز نشان می دهد که مردم به سهم خلیج روها در توسعه ی شهرشان نمره ی ۳,۳۹، یعنی بالاتر از حد متوسط داده اند و در عین حال نمره دولت عدد پایین ۱,۹۸ یعنی بین دو گزینه ی خیلی کم و کم می باشد. بنابراین مردم نگرش بسیار منفی به دولت و کم کاری های او در زادگاه خود دارند.

جدول ۶: بررسی نقش دولت و خلیج روها در توسعه ی شهر لار

میانگین	انحراف استاندارد
۱,۹۸	۰,۹۴۷
۳,۳۹	۱,۱۶۹

نقش دولت

نقش خلیج روها

نتیجه گیری

پرداختن به مقوله ی مهاجرت بین الملل و ارسال وجه به زادگاه و بالاخره، نقش جدید مهاجران تحت عنوان "مشارکت کنندگان در توسعه ی زادگاهی" موضوع جدیدی است که در بسیاری از کشورهای مهاجر فرست مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد. اما رویکرد پژوهشگران و سیاستگذاران حوزه ی مهاجرت در ایران همچنان به اثرات منفی معطوف گردیده که شاید بتوان عنوان نمود سود چندانی نیز از این طریق عاید کشور نگردیده است.

اما الگوی منطقه ی لارستان و شهر لار نشان می دهد که می توان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای در حال توسعه و مهاجر فرست، مهاجران بین الملل را عاملی از عوامل توسعه در نظر گرفت. مهاجرین لار، از طریق مردم و معتمدین و نیز رابطین

خود، کمبودها و مشکلات زادگاه خود را شناسایی کرده و به رفع آن همت گماشته اند. و در حوزه های مختلفی چون، بهداشت، آموزش و حوزه ی مذهبی اثرات مهمی را به جای گذاشته اند. بعلاوه مهاجران و خانواده های آنان توانسته اند بازار لار را رونق بخشند که مسلماً از این طریق مشاغل متعددی نیز پدید آمده است. چنین اقداماتی موجب گردیده که مردم، خلیج روها را یکی از ارکان مهم تصمیم گیرنده در حوزه های اجتماعی و اقتصادی منطقه ارزیابی نمایند. بعلاوه اقدامات مهم خلیج روها در شهر لار موجب گردیده که مردم، توسعه گران اصلی شهر خود را خلیج روها معرفی نمایند و سهم دولت را بسیار پایین عنوان کنند که البته نکته ی قابل تأملی است. این گونه اقدامات خلیج روها را می توان مصداق بارز توسعه از پایین به بالا خواند. بدین صورت که مهاجرین متمول با شناسایی کمبودها و نقاط ضعف زادگاه خود به رفع آن پردازند.

لذا مناسب است پژوهشگران، موضوع مهاجران ایرانیان حاضر در کشورهای عربی GCC را به عنوان الگویی یگانه در کشور مورد بررسی قرار دهند و سیاست گذاران نیز با اعتنا به رویکرد مهاجرت بین الملل و نقش آن در توسعه ی زادگاهی، سیاست ها را به سمت اعزام نیروی کار بیشتر به کشورهای عربی قرار دهند.

پی نوشت ها

- 1.Hein De Haas
- 2.The migration optimists
- 3.Functionalism
- 4.Return Migrants
- 5.Developmentalists
- 6.Modernization
- 7.Ernst Georg Ravenstein
- 8.The migration pessimists
- 9.Almeida 1973; Lipton 1980; Reichert 1981; Rhoades 1979; Rubenstein 1992; Binford 2003.
- 10.Taylor 1984; Rubenstein 1992; Lipton 1980.
- 11.Historical- Structuralist views
- 12.New Economics of Labor Migration(NELM)
- 13.Households or Families
- 14.Risk sharing behavior
- 15.“Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration” 2010
- 16.Migration Hump
- 17.Purchase groups
- 18.Dispensary
- 19.Maternity clinics
- 20.Village pharmacies
- 21.Kitchen gardens
- 22.Irrigated areas
- 23.Hydraulic and domestic systems
- ۲۴.شورای همکاری خلیج، یا Gulf Cooperation Council، یک سیستم مشارکت است میان دولت های عرب حوزه ی خلیج فارس، که در سال ۱۹۸۱ تأسیس شده است. اعضای آن شش کشور عربستان سعودی، امارات متحده ی عربی، قطر، کویت، عمان و بحرین می باشند. (Martin Baldwin-Edwards, 2011)
- ۲۵.در مصاحبه با نماینده ی کار ایران در امارات، رقم ۱۳۰هزار ایرانی در امارات عنوان شد که با رقم عنوان شده توسط معاون سازمان ثبت احوال، اختلاف فاحشی دارد.
- ۲۶.خلیج رو، اصطلاحی است که در منطقه ی جنوب ایران برای مهاجرینی که در کشورهای عربی حوزه ی خلیج فارس مشغول به کار یا زندگی هستند بکار برده می شود.
- 27.Mixed Method
- 28.Deductive- Sequential Mixed Methods Design
- 29.Co-development

منابع

۱. ارشاده، فرهنگ (۱۳۸۹). مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن. **مجله ی تحلیل اجتماعی** (۴/۵۹).
۲. ایسنا (۱۳۹۱). معاون سازمان ثبت احوال خبر داد: امریکا، امارات و انگلستان میزبان بیشترین ایرانیان مقیم خارج. بازیابی از ایسنا: ۱۷ شهریور <http://www.isna.ir>
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۶۹). مهاجرت در کشورهای جهان سوم؛ نظریات، تحقیقات و ارائه ی چهارچوب. **نشریه زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان** (شماره ۱).
۴. دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه (۱۳۹۰). **کتاب سبز کویت** (نسخه چاپ اول). تهران: مرکز چاپ و انتشارات.
۵. زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). **مهاجرت**. تهران: سمت.
۶. مارتین، ف.، و دیگران (۱۳۸۶). **مهاجرت بین الملل و چالش های پیش رو**. ترجمه ا. ناظمی اردکانی، و م. عاملی خوراسگانی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۷. محمدرضا، احمد (۱۳۸۹). روش های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش شناختی: مبانی نظری و اصول عملی. **مجله ی جامعه شناسی کاربردی** سال بیست و یکم، شماره ۲.
۸. مریدی، محمدرضا (۱۳۹۰). مهاجرت به کشورهای خلیج فارس و تاثیر آن بر اقتصاد منطقه لارستان. تدوین س. ا. و کیلیان. **فصل نامه ی فرهنگ مردم**. شماره ۴۰.
9. Baldwin, M. -E. (2005). Migration in middle east and mediterranean. Panteion University, Athens. Retrieved from University Research Institute for Urban Environment and Human Resources, Athens.
10. Baldwin, Martin-Edwards. (2011). **Labour Immigration and Labour Markets in the GCC Countries: National Patterns and Trends**. Panteion University, Athens, Institute of International Relations (IDIS).
11. CAI. (2012). **Qatar**. Retrieved from CIA Factbook: <<http://www.cia.gov>>
12. De Haas, H. (2005b). International migration and regional development in Morocco: a review International migration and regional development in Morocco: a review. **MDR Working Paper, No. 4**.
13. De Haas, H. (2007). Remittance, Migration and social development, A Conceptual Review of the Literature. **United Nations Research Institute for Social Development**.
14. De Haas, H. (2008). Migration and development, A theoretical perspective. **International Migration Institute (IMI)**.
15. De Haas, H. (2010). Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration.
16. De Haas, H. (2011). The determinants of international migration Conceptualizing policy, origin and destination effects.
17. Encyclopedia of the Nations. (2003). **Qatar**. Retrieved from Encyclopedia of the Nations: <http://www.nationsencyclopedia.com>
18. Gonin, P. (2010). International migration and territorial (re)construction: the place and role of migrants as 'frontier runners' in development. In A. Ce'dric, & M. Dorai, **Migration in a Globalised World, New Research Issues and Prospects**. Amsterdam: Amsterdam University Press.
19. Hakimzadeh, S. (2006). **Iran: A Vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees at Home**. Retrieved from Migration Policy Institute (MPI): <http://www.migrationinformation.org>
20. Kritz, M. M. (2007). **International migration**. In G. Ritzer, **THE BLACK WELL ENSYCLOPEDIA OF SOCIOLOGY** (Vol. volume 5). Oxford: black well publishing.
21. Mensah-Bonsu, A., & Burger, K. (2008). A bargaining model of migration; Getting the permission of the farm household. **Econoic of poverty, environment and natural resource use**, Volume 25, Part 3, 185-204.
22. Skeldon, R. (2010). Migration and development over twenty years of research: progress and prospects. In C. Audebert, & M. Dorai, **Migration in a Globalised World, New Research Issues and Prospects**.
23. Srisikandarajah, D. (2005). **Migration and development**. Retrieved from <http://www.GCIM.org>
24. Taylor, J. (1999). The New Economics of Labor Migration and the role of remittances in the migration process. **International Migration**, Volume 37 (Issue 1), 63-88.
25. Taylor, J., & Martin, P. (2001). Human Capital: Migration and Rural Population Change. In B. Gardner, & C. Gordan, **Hand book of Agricultural Economics** (Vol. Volume 1). New York: published by Elsevier Science.
26. Wells, E. (1983). **From Lar to Kuwait**. Retrieved from culturalsurvival: <http://www.culturalsurvival.org>
27. World bank. (2011). **Migration And Remittances Factbook** (2nd Edition ed.). Washington: The World Bank.